

کرونا و توسعه یافتگی: اثرات و پی آمدها*

محمود سریع القلم

مقدمه

این مقاله در دو بخش به بررسی موضوع می پردازد:

- 1) وضعیت موضوع توسعه یافتگی و جوانب سیاسی و ژئوپولیتیکی آن قبل از ظهور پاندمی کووید-19
- 2) بررسی روند های محتمل بر امر توسعه یافتگی طی سال های 2020-2021.

موضوع توسعه یافتگی ارتباط نزدیکی با مبحث جهانی شدن دارد، به طوری که حتی قبل از فراگیر شدن کرونا، جهانی شدن به لحاظ نظری و از حیث عملی با چالش هایی روبه رو شده بود. بی ثباتی اقتصادی ناشی از جهانی شدن باعث شد تا دولت های راست گرا در اروپا ظهور کنند و دولت های اقتدارگرا در آمریکای مرکزی، دنیای عرب و آسیا تثبیت شوند. شاید بتوان وضعیت توسعه در نظام بین الملل قبل از کرونا را با توجه به کانونی بودن مفهوم جهانی شدن در روندهای زیر خلاصه کرد:¹

- جنگ سرد اقتصادی میان آمریکا و چین؛
- ظهور قدرتمند مالی و اقتصادی چین در نظام جهانی؛
- ظهور تدریجی اقتصادی هند؛
- کاهش سطح چندجانبه گرایی در روابط بین الملل؛
- حادث شدن شاخه های مختلف موضوع محیط زیست؛
- کلیدی تر شدن فناوری اطلاعات (IT) و هوش مصنوعی (AI)؛
- افزایش تنش های ژئوپولیتیک میان آمریکا و روسیه؛
- افزایش فاصله طبقاتی در اکثر کشورهای جهان؛
- تشکیک در مزایای همگانی جهانی شدن.

اگر بخواهیم نه متغیر فوق را از منظر اهمیت طبقه بندی کنیم، شاید بتوان ظهور اقتصادی چین در سه دهه اخیر را مهم ترین تحول در روابط بین الملل چه سیاسی و چه اقتصادی تلقی کرد. انتقال تولید

و ثروت از غرب به شرق آسیا باعث شد تا مزیت نسبی بسیاری از کشورهای غربی دچار بحران شود. آلمان تنها کشور اروپایی است که همچنان اهمیت اقتصادی در سطح جهان دارد و قدرت چهارم اقتصادی جهان محسوب می شود. ده سال پیش، هیچ بانک چینی در میان بانک‌های مهم جهانی نبود ولی هم اکنون نیمی از بانک‌های مهم جهانی چینی هستند. تمرکز مالی و تولیدی چین زمینه ساز کاهش توزیع مناسب ثروت در غرب شد و فرصت‌های شغلی کمتر، رقابت بیشتر و به تدریج بحران‌های اجتماعی-سیاسی ایجاد کرد. چین بدون آنکه حس امتیازدهی قوی‌ای داشته باشد به بازی شطرنج پیچیده‌ای با آمریکا در اقتصاد و سیاست پرداخت و این خود سرآغاز جنگ سرد جدیدی میان دو قدرت اول اقتصادی جهان گردید. هر کشوری در جهان بین 20 تا 80 درصد از تجارت خود را با چین انجام می دهد. چینی‌ها که به شدت محتاج مواد اولیه هستند روابط گسترده و دراز مدتی را با تقریباً تمامی کشورهای آفریقایی برقرار کرده و صد ها طرح عمرانی را در مقابل تامین مواد خام و فلزات با نیم میلیون مهندس چینی در این قاره مدیریت می کنند. با تاسیس دو تشکیلات بزرگ مالی و سیاسی (Shanghai Cooperation Organization and Asian Infrastructure Investment Bank)، چینی‌ها دو بازو برای جهانی تر کردن قدرت ملی خود به اجرا گذاشته اند. ظهور چین در حدی بر روابط بین‌الملل تاثیر گذاشت که هیچ موضوع جهانی قابل طرح و حل و فصل نیست مگر اینکه بیجینگ (پکن) در فرآیند بحث و تصمیم سازی آن نقش ایفا کند. چند جانبه گرایی، محیط زیست، مدیریت سازمان‌های بین‌المللی و اقتصاد بین‌الملل عموماً با نقش آفرینی چینی‌ها قابل تصور هستند.² حرکت خزنده و بدون سر و صدای سیاسی چینی که ریشه در تعلیمات بودایی دارد جهان را نگران نکرد و شاید متوجه افزایش تدریجی قدرت اقتصادی و مالی آن‌ها نشد. اگر از 1945 تا 1990، قدرت در روابط بین‌الملل تحت الشعاع روابط آمریکا با شوروی بود، از 1990 به بعد قدرت در مثلث چین-آمریکا-روسیه استقرار پیدا کرده است. هم اکنون گفته می شود آمریکا در تاریخ خود هیچ گاه با رقیب قدرتمندی مانند چین رو به رو نبوده است. آنقدر طی سه دهه روابط در حال گسترش، چین برای آمریکا ارزشمند بود که آمریکایی‌ها شرط انتقال فناوری و پروژه‌های مشترک (Joint Venture) را پذیرفتند. آمریکایی‌ها حتی حرکت آرام روسیه به اروپای شرقی را (Reset) یا تنظیم مجدد با مسکو خطاب کردند. دولت‌های آمریکایی، یکی پس از دیگری، چون علاقمند بودند علائم موفقیت خود را به نمایش بگذارند، تمایل نداشتند کلیت رفتارهای دراز مدت مسکو و بیجینگ را قبول کنند. با توجه به اینکه نهاد دولت و افق تصمیم‌گیری در روسیه و چین تداوم بیشتری دارد، این دو کشور موفق شدند آرام آرام دامنه نفوذ سیاسی یا مالی خود را گسترش دهند. تا اواخر دوره دوم اوباما، آمریکایی‌ها تلاش داشتند از روابط تجاری و مالی آمریکا و چین استقبال کنند.³ در حالی که چینی‌ها با خرید کارخانه‌ها، شرکت‌ها و مستغلات (Mergers and Acquisitions)، سطح مالکیت خود را در آمریکا ارتقا دادند و با حضور 369000 دانشجو در دانشگاه‌های آمریکا نهایت بهره‌برداری را از نظام علمی-فناوری این کشور تحقق بخشیدند.⁴ بر خلاف تصور عمومی، سیاست برخورد آمریکا با چین در دوره ترامپ ریشه در توافق میان دو حزب این کشور و تشکیلات حکومتی آن دارد به طوری که حتی اگر هیلاری کلینتون در سال 2016 رئیس‌جمهور آمریکا می شد همین سیاست فعلی و جنگ سرد تجاری را آغاز می کرد. مثلث روسیه-چین-آمریکا و رقابت‌های ناشی از آن، هم به تنش‌های سیاسی در آسیا و هم به اختلافات آمریکا با اروپا انجامید.⁵

به نظر می‌رسد این تحول در روابط بین الملل دو پی‌آمد مهم داشت:

- 1) تقویت ناسیونالیسم اقتصادی و سیاست‌های دست‌راستی بین قدرت‌های میانی؛
- 2) افزایش هزینه‌های نظامی کشورها.

جنگ سرد نوعی قابلیت پیش‌بینی در نظام جهانی ایجاد کرده بود اما مثلث جدید رقابت بین المللی، هم نااطمینانی (Uncertainty) را افزایش داده و هم همکاری در سطح بین‌المللی را سخت‌تر کرده است. اما همکاری‌های سیاسی و اقتصادی در اروپا و آسیا، قدرت‌های بزرگ را روبه‌روی یکدیگر قرار داده است. آمریکا مکانیزم استفاده بهتر از سرمایه‌گذاری منتهی به توسعه (Better Utilization of Investments to Leverage Development-BUILD) را طراحی کرده تا ابتکارات اقتصادی و مالی چین را به حاشیه ببرد. آمریکا در مرکز و جنوب شرقی اروپا از یک طرف و شرق مدیترانه از طرف دیگر، فعالیت‌های اقتصادی و امنیتی خود را افزایش داده است. در آسیا نیز، آمریکا شرکت بین‌المللی مالی توسعه (International Development Finance Corporation) را در مقابل ائتلاف‌های چینی برقرار کرد تا امکانات مالی و صنعتی در اختیار کشورها بگذارد. در عین حال واشنگتن روابط نظامی خود را با هند، ویتنام، فیلیپین و تایوان وسعت بخشیده است.⁶ به عبارت دیگر، موضوع توسعه یافتگی با ظهور قدرت مالی و اقتصادی چین به طور غیرمستقیم مجدداً مانند دوره جنگ سرد، ماهیت ایدئولوژیک، صف‌بندی‌های سیاسی و بنیان‌های نظامی پیدا کرده است و به واسطه محوری بودن ساختار نظام بین‌الملل (چین، آمریکا و روسیه) از قابلیت پیش‌بینی کمتری برخوردار بوده و فشارهای مالی جدیدی در رقابت میان قدرت‌های بزرگ ایجاد کرده است. این ساختار جدید قبل از کرونا خود به خود تنش‌ها و رقابت‌های ناسالم فراوانی را در روابط بین‌الملل قبل از 2020 به وجود آورده بود. سیاست‌های ترامپ نسبت به آسیا و اروپا و اولویت دادن او به روابط تجاری با مزیت فراوان برای آمریکا شرایط جدیدی را برای کشورهای فراوانی به وجود آورد. هرچند چینی‌ها با چندین سال مذاکرات تجاری با آمریکا امتیاز چندانی به واشنگتن ندادند و سیاست تطویل (Protraction) را اتخاذ کردند ولی دولت ترامپ موفق شد مفاد بسیاری از قرارداد NAFTA را به نفع آمریکا تغییر دهد. با ظهور چین، موضوع توسعه یافتگی در روابط بین‌الملل به گونه‌ای ظهور کرد که هیچ کشوری در روابط بین‌المللی خود نه می‌تواند چین و روابط تجاری با چین را نادیده بگیرد و نه به بازار آمریکا و ظرفیت‌های سیاسی و نظامی آمریکا بی‌تفاوت باشد. نظام بین‌الملل قبل از 2020، فرصت کم‌نظیری را برای کشورهایمانند برزیل، آرژانتین، اندونزی و هند جهت متنوع‌سازی (Diversification) روابط خارجی اقتصادی و سیاسی خود فراهم کرده است. دیپلماسی کشورهای میان‌پایه از قابلیت‌های بیشتری برخوردار شده به طوری که سعی می‌کنند نهایت بهره‌برداری را از روابط خود با سه قطب تحقق بخشند. حتی کشورهای عربی که به طور سنتی با اروپا و آمریکا روابط استراتژیک داشته‌اند هم اکنون به طور آرامی در حال بسط روابط خود با مسکو و بیجینگ هستند. کشورهای ضعیف در حال توسعه در آفریقا و آسیا، هم‌چنان از یک طرف به سازمان‌های مالی بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، و از طرفی دیگر به پروژه‌های بالقوه تهاثری با چین وابسته هستند.

از سال 1970 تا کنون و طی نیم قرن، جمعیت جهان از 3.5 میلیارد نفر به 7.7 میلیارد نفر افزایش یافته است و این در حالی است که تنها در سال 1800 میلادی یعنی 220 سال پیش جمعیت جهان فقط 1 میلیارد نفر بود.⁷ شهرنشینی، بهبود وضعیت بهداشتی و افزایش تولید و امکانات، زمینه ساز رشد جمعیت شدند. افزایش جمعیت، فشار قابل توجهی بر منابع مورد نیاز برای فراهم کردن تولیدات و سوخت وارد می کند و در عین حال موجب فرسایش محیط زیست می شود. از سال 1980 تا کنون یعنی طی چهل سال، نیمی از ذخائر نفتی کره زمین برای پاسخگویی به رشد قابل توجه اقتصادی نه تنها در غرب بلکه در شرق آسیا و کشورهای BRICS استفاده شده است. جهانی شدن به معنای افزایش تولید کالا و خدمات، ثروت، بازارهای مالی، شهرنشینی، مصرف، طبقه متوسط، ارتباطات و وابستگی متقابل ظهور پیدا کرده است. جهانی شدن نه تنها مانعی برای رشد تدریجی تولید تسلیحات و صادرات تسلیحات نشد، بلکه به عنوان یک امر اقتصادی و تولید ثروت برای غرب و روسیه مطرح گردید. اما جهانی شدن به واسطه وابستگی متقابل میان قدرت های بزرگ، وقوع جنگ و درگیری مستقیم نظامی بین آن ها را کاهش داد و عرصه تقابل را به صحنه جنگ های نیابتی (Proxy wars) منتقل کرد. موضوع توسعه یافتگی در سال 2019 دیگر در انحصار غرب نبود بلکه در آسیا، آمریکای لاتین و حوزه عربی خلیج فارس به معنای مالی، تولیدی و اقتصادی آن تحقق پیدا کرد.

مدل چینی و آسیایی توسعه یافتگی، مفروض بنیادی لیبرالیسم اقتصادی، ارائه شده توسط میلتون فریدمن در دهه 1960، مبنی بر اینکه رشد اقتصادی، صنعتی شدن و خصوصی سازی اقتصادی به سیستم های سیاسی دموکراتیک منتهی می شود را تا اندازه قابل توجهی ابطال کرد.⁸ بنابراین، امر توسعه یافتگی که با هم زمان شدن آن با جهانی شدن جنبه بین المللی و عام به خود گرفت را چنین می توان در آستانه 2020 و پاندمیک شدن ویروس کرونا خلاصه کرد:

- ظهور چین به عنوان قدرت دوم اقتصادی جهان؛
- حدود 42 درصد از تولید ناخالص داخلی جهان توسط چین و آمریکا؛
- افزایش چهارصد میلیونی طبقه متوسط در آسیا؛
- انحصار 5G در آمریکا و چین؛
- حدود صد میلیون بشکه مصرف روزانه نفت در جهان؛
- صفر شدن نرخ رشد اقتصادی ژاپن؛
- کاهش رقابت پذیری بسیاری از کشورهای صنعتی اروپایی؛
- اهمیت یافتن کشورهای جنوب در تولید و شبکه های عرضه به واسطه هزینه های کم نیروی کار؛
- گسترش قابل توجه توریسم، سفر و مصرف کالاهای لوکس؛
- افزایش تنش های ژئوپلیتیک منطقه ای در آسیای دور و خاورمیانه؛
- رسیدن بدهی دولت آمریکا به 23 تریلیون دلار؛
- افزایش تولید و صادرات اسلحه در جهان.

ظهور پاندمی کووید-19 و اختلال تدریجی در رشد و توسعه

قبل از کووید-19 بیماری های مسری دیگری در مناطق مختلف جهان ظهور و بروز داشتند: SARS در سال 2003، H1N1 در 2009، MERS در 2012، Ebola در 2014 و Zika در سال 2015.⁹ هرچند با ظهور این بیماری های مسری، متخصصان بهداشتی اقدامات پیش گیرانه را توصیه کردند ولی چون گسترش آن ها نسبتاً کنترل شد و ماهیت این بیماری ها در حد کووید-19 خطرناک نبود، برنامه ریزی برای آینده خیلی جدی گرفته نشد.¹⁰ اهمیت مسائل تجاری، مالی و اقتصادی در جهان در حدی بود که از دسامبر 2019، دولت های بزرگ تلاش کردند تا از اهمیت پاندمی کرونا بکاهند و آن را قابل کنترل بدانند. آمریکا و چین در حدی به بازارهای یکدیگر وابسته بودند و هستند که تمایلی به علنی کردن نگرانی های ناشی از ویروس جدید وجود نداشت. وابستگی فقط در کالاهای مصرفی نیست بلکه به عنوان مثال 156 داروی مهم که به مرگ و زندگی انسان ها مربوط می شود از چین و هند به آمریکا صادر می شود.¹¹ نگرانی از اختلال (Disruptions) در آنچه همه بدان عادت کرده، برنامه ریزی کرده و وابسته شده بودند شاید به لحاظ روانی باعث شد تا با تاخیر به کووید-19 و پیآمدهای گسترده آن واکنش نشان دهند. یکی از عواقب جهانی شدن و ثروتمند شدن مردم چین، گسترش نجومی توریسم چینی است به طوری که حدود 14.5 میلیون توریست چینی در سال 2018 به 28 کشور اتحادیه اروپا سفر کردند که در همان سال حدود 2.5 میلیون ویزای شنگن برای چینی ها صادر شد.¹² سهم توریسم از تولید ناخالص داخلی در یونان و ایتالیا به ترتیب حدود 30 و 13 درصد است.¹³ تجارت و بنابراین وابستگی متقابل میان آمریکا و چین در سال 2019 حدود 600 میلیارد دلار تخمین زده می شود.¹⁴ رشد اقتصادی در حدی طی چند دهه اهمیت پیدا کرد که حدود یک میلیارد نفر در سال سفر می کردند و میلیون ها شرکت تولید کننده، به خصوص در آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا، به زنجیره عرضه 142 تریلیون دلاری تولید ناخالص داخلی در سطح جهان متصل بودند.¹⁵

اما این شرایط استثنایی در تاریخ رشد و توسعه اقتصادی با جهانی شدن ویروس کووید-19 در اواخر دسامبر 2019 و اوایل ژانویه 2020 به سرعت سقوط کرد. متوسط کاهش نرخ رشد اقتصادی در سطح جهان 5.2 درصد طی سال 2020 پیش بینی می شود که پایین ترین نرخ رکود اقتصادی در 80 سال گذشته محسوب می شود. کشورهایی که بازارهای آنان بین المللی تر بوده، تابع توریسم بودند و به زنجیره های عرضه (Supply chains) وابستگی داشتند بیشتر لطمه خواهند خورد. در کنار کشورهای بزرگ صنعتی، بازار های در حال ظهور و اقتصادهای در حال توسعه (Emerging Market and Developing Economy – EMDE) بیشتر ضربه خواهند خورد. در ماه های فوریه 2020 به بعد، تقریباً 4 میلیارد نفر به محل کار خود نرفته اند، مدارس و دانشگاه ها تعطیل شدند، عموم پروازها در جهان متوقف شد و شرکت ها و کارخانه ها بسته شدند. جدول زیر نوعی پیش بینی از کاهش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در کشورها را نشان می دهد:

نرخ رشد تولید ناخالص داخلی		
	سال 2019	سال 2020
چین	6.1	1
آمریکا	2.3	-6.1
اتحادیه اروپا	1.2	-9.1
برزیل	1.1	-8
ترکیه	-0.9	-3.8
عربستان سعودی	-0.3	-3.8
ایران	-8.2	-5.3
روسیه	1.3	-6
هند	4.2	-3.2
اقتصاد با درآمد بالا	1.7	-6.8
اقتصاد با درآمد پایین	5.1	1

توقف فعالیت های اقتصادی برای میلیون ها بنگاه به این معنی خواهد بود که نه می توانند حقوق کارکنان خود را پرداخت و نه بدهی های خود را مدیریت کنند. ورشکستگی اقتصادی می تواند به تدریج بحران های مالی در بسیاری اقتصادهای بزرگ و کوچک به دنبال آورد. سرمایه گذاری در عموم صنایع در جهان به واسطه بحران های مالی موسسات با شدت بیشتری کاهش یافته است. صنعت توریسم که در دهه اخیر به موجب رشد طبقات متوسط آسیا سالانه 6.5 درصد رشد داشت با شیب بسیار تندی تقریباً در سه ماهه اول 2020 متوقف شد. از مناطق شش گانه جهانی، آمریکای لاتین بیشترین کاهش نرخ رشد

اقتصادی را تجربه خواهد کرد. از 1870 به این طرف، اقتصاد بین المللی 14 دوره رکود را تجربه کرده است که رکود 2020 اولین تجربه و نتیجه پاندمیک از آن تاریخ است. رکودهای قبلی نتیجه جنگ، بحران مالی و افزایش قیمت نفت بوده اند. بدهی های معوقه بسیاری از بانک ها را نیز با مشکلات نقدینگی و فرصت کمتر سرمایه گذاری روبه رو کرده است. در سیکل اقتصادی، بخش خدمات و نیروی کار به خصوص در کشورهایی که از نیروی کار خارجی استفاده می کردند خدمات قابل توجهی را در نیمه اول 2020 تجربه کردند. پی آمد فوری این کاهش فعالیت در بخش انرژی نیز خود را به خوبی نمایان کرد به طوری که تقاضای نفت حدود 10 درصد افت نمود.¹⁸ تقاضا برای فلزات نیز در دوران پس از کرونا تا 16 درصد کاهش داشته است. اگر در نیمه دوم 2020 و به صورت تدریجی در 2021 تقاضا برای فلزات افزایش یابد تابع تقاضای چین و وضعیت تولید ناخالص داخلی چین خواهد بود که حدود 50 درصد بازار مصرفی فلزات در جهان را در اختیار خود دارد.¹⁹ بیش از کشور های غربی و اقتصاد های قدرتمند آسیا مانند ژاپن، کره جنوبی و چین، که توان تحمل کاهش تولید و تقاضا را به واسطه توان مالی و سطح پس انداز دارند، عمده کشور های در حال توسعه جهان از کاهش فعالیت قابل توجه اقتصادی (Contraction) در سال 2020 تاثیر خواهند پذیرفت. تولید در جنوب، تابع مصرف در کشور های غربی و شرق آسیا است. به عنوان مثال، زنجیره های تولید در کشوری مانند بنگلادش، که نقش مهمی در صنعت پوشاک دارد، تابع مصرف در اروپا و آمریکای شمالی است. با ظهور 42 میلیون نفر بیکار در آمریکا و کاهش قابل توجه مصرف در اروپا، بسیاری از این کارگاه های تولیدی تعطیل می شوند و تابع بازگشت بازار های غربی در سال 2021 خواهند بود. به دلیل پس انداز اندک و وجود اقشار فقیر در این نوع کشور های آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین، می توان پیش بینی کرد که سطح فقر و بی ثباتی اجتماعی-اقتصادی در جنوب حداقل طی سال 2020 شدت یابد. از آنجا که نرخ پایین آمدن سطح تولید ناخالص داخلی حدود سه برابر رکود سال 2009 است و برخلاف آن سال که بحران جهانی صرفاً در بازار های مالی بود، در سال 2020 رکود در همه بخش های اقتصادی و عموم اقتصاد های جهانی شده ظهور پیدا کرده است. از این رو، بازگشت به شرایط قبل از کرونا نیز تابع متغیر های جهانی تولید، عرضه و تقاضا خواهد بود.

آنچه که موضوع رشد و توسعه را تحت الشعاع قرار می دهد این است که به واسطه این پاندمی روندها و سیستم رفتاری مصرف و کار در سطح جهانی دچار تحول خواهد شد و بر کلیت تقاضا طی سال 2021 و بعد از آن اثرات جدی به همراه خواهد داشت. معلوم نیست تقاضا و بازار های مالی دقیقاً چه واکنش های پایداری به شرایط بعد از کرونا نشان دهند. هم خانوار ها و هم بنگاه ها به نظر می رسد تمایلی به افزایش نرخ پس انداز نشان دهند و به طور طبیعی چنین رفتاری پیآمدهایی را برای سرمایه گذاری و مصرف خواهند گذاشت. ظهور ناگهانی کووید-19 با مرگ و میر بسیار بالا در برزیل، شیلی و مکزیک عواقب جدی برای مصرف و تولید کالاهای کشاورزی و حتی امنیت غذایی در نیمه دوم 2020 و احتمالاً تا بخش هایی از سال 2021 می تواند داشته باشد.²⁰ اگر کنترل های بهداشتی و فاصله گذاری فیزیکی همچنان ادامه یابد به طور طبیعی بازگشت به شرایط اقتصادی قبل از کرونا حداقل کندتر خواهد بود. نگرانی های اروپایی ها ناشی از مهاجرت از آفریقا و خاورمیانه، ورود خزنده شرکت های آسیایی در اقتصاد اروپا، خروج محتمل و آرام ژئوپلیتیک آمریکا از اروپا و افت توان رقابتی اروپا در اقتصاد بین الملل

به طور جدی، با آغاز ریاست آلمان در اول جولای 2020 (11 تیر 1399) اتحادیه اروپا چالش های فراوانی را در هماهنگی سیاست گذاری ها و اصولاً فهم دقیق روند های جهانی به دنبال خواهد آورد.²¹ چینی ها که برای چندین دهه از نرخ رشد اقتصادی حداقل 5 درصدی برخوردار بودند در سال 2020 نرخ یک درصدی را تجربه خواهند کرد. در کل منطقه آسیایی و به خصوص شرق آسیا نرخ رشد اقتصادی به حدود نیم درصد تقلیل پیدا خواهد کرد. کاهش مصرف، تولید، سرمایه گذاری و تجارت در این منطقه در حدی است که به میزان بحران 1990 آن بر می گردد. عموم این کشورها سیاست اعطای اعتبار و وام را برای شرکت ها در پیش گرفته اند تا به تدریج زمینه های بازگشت فعالیت اقتصادی و افزایش تقاضا را تشویق کنند، سیاستی که کمیسیون اروپا به میزان 750 میلیارد یورو برای اتحادیه اروپا پیشنهاد کرد. چینی ها با تخفیف مالیاتی، واریز مستقیم به خانوار های آسیب پذیر و فعال کردن اعتبار برای استان ها امید دارند تا زمینه های تقاضا و سرمایه گذاری را به وجود آورند. بسته تشویقی مالی مالزی تا 17 درصد تولید ناخالص داخلی تخمین زده می شود.²²

خاورمیانه که از نارسایی های ساختاری، بحران مهاجرین، جنگ و نا امنی در رنج است، با ظهور کووید-19 در شرایط نامساعد تری قرار گرفت. مصر، اردن، مناطق فلسطینی و تونس که از تجارت و کمک های مالی کشورهای عربی اوپک معمولاً بهره مند می شدند و کسری بودجه خود را تا اندازه ای تامین می کردند هم اکنون با سقوط قیمت نفت و صادرات نفتی دچار کاستی های فراوان شدند. اگر تورسم در بحران مالی 2009 به میزان 4 درصد افت کرد، در سال 2020 دچار انقباض 60 تا 80 درصدی گردیده و کشور هایی مانند اردن، امارات و ترکیه درآمد قابل توجهی را از دست دادند. با کاهش درآمد نفتی، سرمایه گذاری در خاورمیانه با بحران جدی رو به رو خواهد شد و به صد ها شرکت محلی، اروپایی و آسیایی لطمه خواهد زد.²³ در پاکستان و هند، که اقتصاد عموماً مبتنی بر بنگاه های کوچک و متوسط است، کاهش شدید تولید و تقاضا به ورشکستگی بسیاری از آن بنگاه ها انجامیده و باعث شده تا بیکاری مزمن و ناهنجاری های اجتماعی قابل توجهی پدید آید. دولت ها در مقابل با کمک رسانی به اقشار فقیر، واریز مستقیم، افزایش سرمایه گذاری در بهداشت و حمایت از کار و فعالیت اقتصادی به مقابله با بی ثباتی های اجتماعی و سیاسی برآمده اند. جمعیت هندی در منطقه عربی خلیج فارس که حدود 9 میلیون نفر می شوند، مبلغی بالغ بر 20 میلیارد دلار به کشور مادر ارسال می کنند که پیش بینی می شود تا یک پنجم در 2020 کاهش یابد.²⁴ کووید-19 در منطقه آفریقا باعث فرار سرمایه، تقریباً تعطیلی فعالیت و سرمایه گذاری در معادن و بحران های وسیع اقتصادی و اجتماعی شده است. بدین سبب، آسیب پذیری های موجود آفریقا به واسطه گستردگی فقر عمیق تر خواهند شد. پروتکل های بهداشتی برای دو سوم مردم آفریقا که در مناطق بسیار متراکم زندگی می کنند بسیار سخت بوده و نگرانی های فراوانی مبنی بر گسترش غیر قابل کنترل پاندمی ایجاد کرده است. بسیاری از کشورهای آفریقایی وام های کوتاه و میان مدت دارند که تابع فعالیت معادن و صنعت نفت و گاز آنهاست. بیم آن می رود که بحران پرداخت بدهی از یک طرف و ناامنی غذایی برای مردم بسیاری از کشورهای آفریقایی از طرف دیگر، که شامل 72 میلیون نفر در 35 کشور می شوند، گسترش یابد.²⁵ کووید-19 بزرگترین بحران اقتصادی دوران صلح یک قرن گذشته است و در مجموع هیچ منطقه ای در نظام بین الملل از پی آمدهای منفی آن بر اقتصاد کشورها مصون نبوده است.

نتیجه گیری: کرونا و روند های آتی توسعه یافتگی

سه اقتصاد آمریکا، چین و اتحادیه اروپا حدود نیمی از اقتصاد بین الملل هستند. اگر در آمریکا یک درصد رشد اقتصادی کاهش یابد بر بقیه مناطق دنیا بین 0.7 تا 0.8 درصد اثر منفی می گذارد. اگر هر سه اقتصاد با هم یک درصد کاهش نرخ رشد داشته باشند در این صورت بقیه مناطق جهان حدود 1.3 درصد افت تجربه خواهند کرد. این ارزیابی حکایت از وابستگی عمیق متقابل در اقتصاد جهانی است.²⁶ به موجب این وابستگی متقابل، کشورهای در حال توسعه نسبت به بحران مالی 2009، به مراتب کمتر از مکانیزم های ثبات اقتصادی برخوردارند. بسیاری از کشورهای جهان سوم حتی تا 50 درصد، نیازمند مواد اولیه ای هستند که در خط تولید کالا به کار گرفته می شود. توقف زنجیره عرضه مواد خام، کالا و خدمات، اثرات پایداری بر نرخ بیکاری در این کشورها به همراه داشته است. به طور میانگین، هزینه های استقرار در اغلب این کشورها تا 11 درصد طی دهه گذشته رشد داشته در حدی که استقرار تا 55 درصد تولید ناخالص داخلی را در بر می گیرد. انقباض اقتصادی در طیف کشورهای فقیر و ثروتمند به کاهش انباشت سرمایه به عنوان منبع قدرت ملی و پس انداز برای طرح های عمرانی و امنیت ملی که زمینه اشتغال هم دارند منجر می شود. اگر از این منظر به پی آمدهای کرونا بنگریم، خیلی روشن نیست که چه مدت طول خواهد کشید تا اقتصاد بین الملل به شرایط قبل از کووید-19 برگردد.²⁷ به عبارت دیگر، افق رشد و توسعه حداقل در میان مدت دچار سکنه اساسی شده است. حتی اگر بعضی بخش های اقتصادی مانند صنعت تولید مواد غذایی، اینترنت، و فناوری اطلاعات شامل رشد شوند، بازگشت صنایع دیگر مانند اتومبیل، تورسم، مسکن و لوازم مصرفی، آینده روشنی ندارند. به عنوان مثال، صنعت کشتی های تفریحی که حدود 150 میلیارد دلار در سال گردش مالی دارد تا 82 درصد فعالیت خود را از دست داده و پیش بینی می شود برای چندین سال فرصت بازگشت نداشته باشد زیرا مسافران این صنعت عموماً از سنین بالا هستند.²⁸

این تحولات نتیجه طبیعی یک پاندمی در سطح جهان است. از زمان ظهور اقتصاد چین، نظام بین الملل به یک چارچوب اقتصاد سیاسی خصوصی سازی مبتنی بر نقش فعال و مستقیم دولت عادت کرده بود. کووید-19 این سنت و مجموعه قواعد را مختل نمود. اختلال در تولید، مجموعه پی آمدهای منفی ای در عموم شاخص های رشد و توسعه ملی و بین المللی پدید آورده است. علاوه بر این بازار های کار و سرمایه نیز دچار اختلالات اساسی شده اند. هنگامی که سطح درآمد کاهش می یابد، بلافاصله اثرات منفی خود را بر بهداشت، تغذیه و آموزش به جای می گذارد. تشکیل صف های هشت کیلومتری اتومبیل در بعضی ایالت های آمریکا برای دریافت بسته های رایگان غذا، حاکی از این است که حتی در اقتصاد های پیشرفته اثرات فوری پاندمی بر کار و فعالیت اقتصادی می تواند جدی باشد.²⁹ نزدیک به 50 میلیون نفر طی 4 ماه در آمریکا برای بیمه بیکاری تقاضا کرده اند.³⁰ چنین تحولاتی در عرصه کار و فعالیت اقتصادی پی آمدهای خود را در نوآوری نیز به همراه دارد. بنگاه های اقتصادی، حداقل تا زمانی که شرایط نیمه عادی باز گردد، از سرمایه گذاری در نوآوری های فناوری پرهیز می کنند.³¹ هرچند در گذشته فجایع زیست محیطی یا اپیدمی هایی مانند SARS پی آمدهای اقتصادی محدود و جغرافیایی داشته اند ولی اهمیت پاندمی در این است که جنبه جهانی دارد و بازگشت به شرایط عادی تابع همکاری های وسیعی در سطح بین الملل است که در شرایط فعلی در افق سیاست جهانی قابل مشاهده نیست. علاوه بر این، فاصله گذاری

فیزیکی بسیاری از فعالیت ها را مانند تورسم، حداقل کند خواهد کرد. استخدام جدید در بنگاه ها و کارگاه های تولیدی، بازگشایی مدارس و دانشگاه ها و به طور کلی محیط های آموزشی و همینطور مسابقات ورزشی دچار اختلال خواهند شد. اگر مراقبت های بهداشتی پاسخگو نباشند و واکسیناسیون قابل اتکایی در دسترس عموم قرار نگیرد، پی آمدهای جدی جهانی کووید-19 می تواند نگرانی های شدید ناشی از آینده (Super-hysteresis) تولید و رشد اقتصادی ایجاد کند. صدمات به زنجیره های تولید، تجارت جهانی، بازار های سرمایه و تعامل جهانی می توانند از تداوم بیشتری برخوردار شوند.³² از دست رفتن حدود 300 میلیون شغل تا نیمه 2020 شوک اقتصادی قابل توجهی در فرآیند های جهانی شدن به وجود آورده است.³³ سازمان بین المللی کار پیش بینی می کند که از حدود 2 میلیارد نیروی کار در جهان نزدیک به 80 درصد به نوعی از کووید-19 تاثیر مالی پذیرفته اند. در چهار ماه گذشته نیز حدود 11 تریلیون دلار توسط دولت ها، بسته های مالی و پولی مقابله با کرونا طراحی شده است. بسیاری از کشورهای اروپایی، آمریکا، برزیل، ژاپن و مکزیک مجبور هستند بازگشایی فعالیت های اقتصادی را برای جلوگیری از شیوع مجدد به تاخیر اندازند که خود کارآمدی، تولید و رشد اقتصادی را به آینده موکول می کند. پیش بینی می شود طی سال های 2020-2021 کسری بودجه جهانی تا 101 درصد تولید ناخالص داخلی افزایش یابد (رشد 19 درصدی نسبت به سال 2019) که میانگین آن در سطح بین المللی از 4 درصد به 14 درصد خواهد رسید. درآمد دولت ها به واسطه کاهش مصرف و تولید و درآمد خانوار ها و بنگاه ها دچار صدمات جدی خواهد شد.³⁴

به موازات تحولات صرف رشد و توسعه اقتصادی، اقتصاد سیاسی توسعه نیز در سطح جهانی مشمول تغییراتی شده است. در دوره پس از کرونا نقش حکومت (State) به مراتب قدرتمندتر شده است. شرایط اضطراری پاندمی این وضعیت نوین سیاسی را به وجود آورده است. افکارسنجی نشان می دهد که این نقش جدید حکومت به معنای اعتماد و اعتبار بخشیدن عامه مردم به آن ها نیست بلکه ناشی از شرایط اضطراری است.³⁵ جالب توجه اینکه در کشور هایی که به طور سنتی اعتماد نسبت به نظام سیاسی بالا بوده، مانند دانمارک و سوئد، مردم افزایش اقتدار حکومت را بهتر قبول کرده اند و بالعکس در ایتالیا، فرانسه و اسپانیا، اعتبار نظام سیاسی و پذیرفتن اقتدار پس از کرونا، همچنان مشکل داشته است.³⁶ کووید-19 تمایل عامه مردم به همکاری های میان کشورها حداقل در قالب اتحادیه اروپا را افزایش داده است و هم زمان وجهه آمریکا و چین، به عنوان مهم ترین شرکای اتحادیه اروپا، به شدت افت کرده است. تمایلات ملی گرایی محض در اتحادیه اروپا به اندیشه جدیدی تحت عنوان معتقدان به حاکمیت ملی / استراتژیک (Strategic sovereigntists) انتقال یافته است. در مجموع، علاقه به حفظ و بسط همگرایی اروپایی در دوران پس از کرونا ارتقاء یافته است. برنامه بازسازی مشترک فرانسه و آلمان برای مقابله با کرونا، این زمینه تشدید همگرایی را افزون نموده است، تا حدی که بعضی آن را ایالات متحده اروپا (United States of Europe) خطاب کرده اند که باعث می شود اروپا از "تسلط" فیسبوک (Facebook) و هواوی (Huawei) رهایی یابد. کووید-19 این فکر را ایجاد کرده که اگر اروپایی ها با هم همکاری نکنند در جنگ تجاری و بلکه ژئوپلیتیک چین و آمریکا صدمه خواهند دید. پوپولیسم و مخالفت با اتحادیه اروپا احتمال دارد رو به افول بروند و این پاندمی فضای جدید سیاسی، اقتصاد سیاسی رشد و توسعه را در میان اعضای اتحادیه اروپا پدید آورده است.³⁷ در منطقه آسه آن (ASEAN) نیز این وجه از همکاری و تعهد

جمعی برای مبارزه با پیآمدهای منفی پاندمی دیده می شود زیرا که همگرایی اقتصادی آن در اثر عدم همکاری، دچار آسیب های جدی خواهد شد.³⁸

پس از کرونا، کشورها بیشتر به داخل توجه خواهند کرد و دو اقتصاد بزرگ جهان یعنی آمریکا و چین مانند گذشته به تبادل سنتی حدود 600 میلیارد دلاری گذشته خود کمروابسته خواهند بود. زنجیره های تولید مانند گذشته صرفاً بر اساس محاسبات سود و زیان (Utilitarian benchmark) انجام نخواهد شد. حرکت آزاد سفر چند میلیارد نفری در جهان رشد و توسعه مانند گذشته نخواهد بود. فاصله طبقاتی، فقر، بدهی و کسری بودجه عمیق تر خواهد شد. اولویت های داخلی کشورها در مجموع از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. همکاری عمومی کشورها در پاندمی های جدید در مسایل زیست محیطی از انرژی بالاتری بهره خواهد برد. اهمیت فناوری های اطلاعات و هوش مصنوعی فراتر خواهد رفت. کشورها بیشتر محتاج اتحادیه ها، منطقه گرایی و تبادل خواهند بود. رشد شدید قبل از کرونا خرید اسلحه و نظامی تر شدن سیاست در کشورها شیب کندتری تجربه خواهد کرد. اقتصاد بر سیاست اولویت پیدا خواهد کرد.³⁹ آنچه خانه آزادی (Freedom House) مبنی بر کاهش سطح آزادی ها در کشور های جهان و رشد اقتدار گرایی به طور مرتب طی 14 سال گذشته گزارش کرده، در دوران پس از کرونا به نظر می رسد حتی بیشتر تشدید شود.⁴⁰ کاهش تصورنکردنی قیمت نفت و کاهش درآمدهای نفتی، جایگاه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به عنوان خریدار 5.8 درصد از تولید ناخالص ملی برای تسلیحات را دچار نوسان های جدی خواهد نمود. این در شرایطی است که منطقه خاورمیانه با بالاترین نرخ بیکاری جوانان (35 درصد) و نیاز به بازسازی اقتصادی پس از کووید-19 رو به رو خواهد بود. در جهان مملو از رقابت سیاسی و اقتصادی پس از کرونا، بیم آن می رود که با مشکلات کسری بودجه، پایین بودن قیمت نفت و افزایش فقر، تعداد کشورهای ناکام (Failed states) در خاورمیانه و آفریقا افزایش یابد.⁴⁰

بعضی پیآمدهای کرونا دائمی خواهند بود. به عنوان مثال 2.2 میلیون رستوران در جهان که بالغ بر ده درصد کل رستوران ها هستند برای همیشه بسته شده اند.⁴² کلیدی ترین موضوع در شکل گیری مختصات جهان اقتصادی و اقتصاد سیاسی پس از کرونا، تولید واکسن، قابلیت های اثرگذاری و اتکاپذیری واکسن و همگانی و در دسترس بودن آن خواهد بود.⁴³ واکسیناسیون، مدت زمان پاندمی و زمان فاصله گیری فیزیکی را تعیین خواهد کرد. حتی ممکن است عده ای که به لحاظ سنی آسیب پذیر هستند علیرغم در دسترس بودن واکسن، از درجه فعالیت اجتماعی خود بکاهند. فاصله گذاری فیزیکی ارتباط مستقیمی با مصرف خواهد داشت. مصرف و تقاضا، کلیدی ترین متغیرهای اقتصادی در بازگشت رشد و توسعه سال 2021 خواهد بود. در امتداد بحث تقاضا، توانایی میلیون ها نفر بیکار به پیدا کردن کار جدید و یا بازگشت به کار، متغیر بعدی تعیین کننده خواهد بود. هیچ تضمینی وجود ندارد که نیروی کار از دست رفته مجدداً در همان بنگاه ها به کار مشغول شوند. ضمن اینکه در دوره کرونا بسیاری از صنایع و شرکت ها، شکل و محتوای کار و فعالیت خود را تغییر خواهند داد. تمایل به اتوماسیون و کاهش هزینه های مربوط به پروتکل های بهداشتی میان نیروی کار، در آن دسته از صنایع که امکان پذیر است، نرخ بازگشت به کار را تقلیل خواهد داد. در صورتی که تقاضا مانند گذشته در صنایع مصرفی رشد نکند بسیاری از بحران های ناشی از بیکاری، درآمد های ناچیز، بیماری و کمک هزینه های دولتی تداوم پیدا خواهند کرد و بازتاب اصلاح امور اقتصادی را حتی به بعد از 2021 موکول خواهد نمود.

در چارچوب خود بیماری کرونا، همکاری کشورها، نقش کمک رسانی سازمان بهداشت جهانی، آمادگی دولت ها و سازمان های بین المللی در مساعدت به کشورهای کم بضاعت جهان سوم در امور بهداشتی و به ویژه نقش دو دولت چین و آمریکا در صحنه سیاست بین الملل در جلوگیری از شیوع مجدد این بیماری تاثیر به سزایی به دنبال خواهند داشت.⁴⁴ اگر واکسن کووید-19 نهایی شده و در دسترس عموم قرار گیرد، نقش دولت ها در تنظیم بازار و سیاست گذاری اقتصادی است که می تواند تقاضا، مصرف، درآمد، تولید، عرضه و ثبات را تسهیل کند. اینکه دولت ها چگونه سرمایه گذاری داخلی و خارجی را تسهیل کنند و به خصوص در دو عرصه سرمایه گذاری عمرانی (Public investment) و زیرساختهای دیجیتال (Digital infrastructure) سیاست گذاری و اقدام کنند، در بازگشت به وضعیت قبل از کرونا بسیار با اهمیت خواهد بود. یکی از مسئولیت های جدی دولت ها در جهان پس از کرونا سرمایه گذاری نوین تکنولوژیک در صحنه بهداشت عمومی خواهد بود. دولت های جهان سوم که در محاسبات ملی بیشتر به امنیت می اندیشند، کمتر به این امر توجه خواهند کرد. پایان یافتن نسبی این پاندمی در میان این نوع کشورها ممکن است آن ها را با دشواری های جدیدی همراه با اولویت بندی های سختی مواجه کند. اگر اقتصاد سیاسی رشد در کشورهای جنوب هم ردیف کشورهای صنعتی و پیشرفته حرکت نکند و عدم توازن در اقتصاد بین الملل شکل بگیرد، موضوع اول و جدی تقاضا و مصرف در سطح جهانی با سهولت حل نخواهد شد.⁴⁵ حتی در میان کشورهای پیشرفته نیز ضمانتی نیست که پول، اعتبار و تخصص، سازماندهی و اهتمام لازم را برای جلوگیری از شیوع این پاندمی و یا پاندمی های محتمل در آینده پدید آورد. در آمریکا متخصصین به دولت توصیه کرده اند که مسئولین فدرال و ایالتی باید انبار/استراتژیک ملی (Strategic National Stockpile) را در قالب دفاع بیولوژیک (Biodefense) جدی بگیرند و از تجربه این بیماری برای پاندمی های آینده بهره برداری کنند.⁴⁶ حتی پیشنهاد ایجاد یک ناتوی بهداشت عمومی (Public Health Treaty Organization) که با عضویت کشورها، همکاری و انسجام جهانی برای هماهنگی های آینده بهداشت فراهم آید مطرح شده است.⁴⁷

هم چنان که در مباحث تاریخی توسعه یافتگی، نقش «تنظیم کننده» و «متوازن» نهاد حکومت (State) و دولت (Government) کلیدی بوده و در کشورهایی مانند نروژ، دانمارک و آلمان، حکومت با قانون، اجماع ملی و قرارداد اجتماعی توانسته نظمی در کلیت سیستم اجتماعی-سیاسی پدید آورد و رشد و توسعه را متوازن و تنظیم کند، مطالعه نقش حکومت ها و دولت ها در جهان پس از کرونا نیز بسیار کلیدی خواهد بود. نحوه برخورد کره جنوبی و اعمال حکمرانی مطلوب در کره جنوبی از یک طرف و ناهماهنگی های قابل توجه در حکومت ها و در دولت های آمریکای لاتین و غربی از طرف دیگر، بار دیگر نقش مهم اصل تصمیم گیری و مطلوبیت و عقلانیت در فرآیند های تصمیم گیری را به میان کشیده است. جهان پس از کرونا تا اندازه قابل توجهی تابع متدولوژی تصمیم گیری و عملیاتی کردن این تصمیم ها به ویژه در کشور های بزرگ و مهم نظام بین الملل خواهد بود.⁴⁸ آنچه در سال 2020 و پس از آن نگران کننده است، اتخاذ روش های بومی و ملی در برخورد با کووید-19 و حداقل همکاری و یادگیری در میان کشورها است. حتی هماهنگی و همکاری با سازمان بهداشت جهانی نیز محدود بوده است. این واقعیت حاکی از آن است که تقریباً همه کشورها با ظهور این پاندمی، شوکه شده و از حداقل آمادگی

برخوردار بودند به طوری که سه ماه طول کشید تا بیست کشور عضو G-20 شروع به دیالوگ و هماهنگی کنند.⁴⁹

حتی قبل از ظهور پاندمی کووید-19 هم نظام بین الملل به لحاظ سیاسی، و هم نظام اقتصاد سیاسی بین الملل از منظر رشد و توسعه اقتصادی، دچار چالش های جدی بود. این پاندمی به یک معنا تناقضات جهانی شدن را برملا کرده است. شاید یک دلیل عمده این باشد که گسترش تنوع بهره برداری و لذت از زندگی، دامن بسیاری از تصمیم گیران و سیاستمداران را گرفته و رضایت از وضعیت و مناسبات موجود (Complacency) آن ها را نسبت به وظایف مدنی شان نسبتاً بی تفاوت کرده است. حسی که در دهه 1950 و 1960 در میان سیاستمداران برای خدمت به مردم وجود داشت به ندرت در میان سیاستمداران امروزی مشاهده می شود. به نظر می رسد سیاستمداران دچار یک اپیدمی از نوعی دیگر شده اند و در معرض منافع دو گروه قدرتمندان مالی و بانکی و اقتصادی از یک طرف و شبکه های اطلاعاتی و امنیتی از طرف دیگر قرار گرفته اند.⁵⁰ طناب سیاست به نظر می رسد در بین دو گروه اقتصادی و امنیتی در اکثر کشورها در حال زورآزمایی است. عموماً سیاستمداران هم از موقعیت خود لذت می برند و هر موقع مقتضیات ایجاب کرد بین این دو گروه معامله می کنند. مدیریت ناکارآمد پاندمی کووید-19 در سایه این تحولات ارگانیک سیاسی در جهان اتفاق افتاد. اگر مشکل و آفت در سرمایه داری و یا جهانی شدن باشد، آلمان، هلند، زلاندنو، استرالیا، کانادا و منطقه اسکندیناوی هم قاعداً باید دچار ناکارآمدی، فاصله طبقاتی و نظام تصمیم گیری نامناسب باشند. ولی آمار و رضایت عامه مردم در این کشورها نشان می دهد که راه حل در نظام تصمیم گیری و سیاست گذاری است. دولت زلاند نو با اعتقاد به نظام سرمایه داری و جهانی شدن، مهم ترین هدف خود را عدالت اقتصادی تنظیم کرده است.⁵¹

در جهان پس از کرونا نقش حکومت و دولت پررنگ تر خواهد شد. اما کدام حکومت و دولت؟ با کدام ساختار، سازماندهی، اولویت بندی، جهت گیری و پایگاه اجتماعی و اقتصادی؟ هیچ اندیشمند اقتصاد سیاسی از آدام اسمیت تا توماس پیکتی منکر نقش دولت در تنظیم مناسبات رشد و توسعه اقتصادی نبوده است. شاید بار دیگر نه تنها برای رهیافت مقابله با کرونا بلکه برای مدیریت رشد و توسعه اقتصادی در کشورها، مباحث «ماهیت دولت و حکومت» همانند قرون 18 و 19 از سر گرفته شود. آیا دولت ها برای حفاظت از محیط زیست و استفاده نامحدود از منابع طبیعی نقشی ایفا خواهند کرد یا اینکه شرکت های بزرگ و تقاضای کالا و خدمات، هدایتگر سیاست گذاری خواهند بود؟ روابط متقابل اعضای مثلث «حکومت، بخش خصوصی و مصلحت عامه» بار دیگر به کانون نظریه های توسعه یافتگی بازگشته است. کووید-19 باعث شد بسیاری مکث کنند و به سوالات و چالش ها فکر کنند. سال 2021 در جهت دهی مباحث رشد و توسعه اقتصادی بسیار کلیدی خواهد بود. اما یک سوال سیاسی در جایگاه و محتوای توسعه یافتگی در جهان پس از کرونا تعیین کننده خواهد بود: آیا چین، آمریکا، روسیه و اتحادیه اروپا می توانند به یک نظم جهانی قاعده مند و حامی محیط زیست، عدالت اجتماعی و کنترل اشاعه تسلیحات دست یابند؟

*این مقاله در کتاب زیر به چاپ خواهد رسید:

کرونا، سیاست خارجی و روابط بین الملل، به اهتمام دکتر امیر محمد حاجی یوسفی. دانشگاه شهید بهشتی، 1399

پاورقی ها:

1. <https://www.cfr.org/report/keeping-our-edge/>
2. <https://sariolghalam.com/2017/08/27/%d9%85%d9%82%d8%a7%d9%84%d9%87-%d9%86%d8%b8%d8%a7%d9%85-%d8%a8%db%8c%d9%86%e2%80%8c%d8%a7%d9%84%d9%85%d9%84%d9%84-%da%98%d8%a6%d9%88%d9%be%d9%84%db%8c%d8%aa%db%8c%da%a9-%d8%ac%d8%af%db%8c%d8%af-%d8%ae/>
3. Elbridge A. Colby and A. Wess Mitchell, "The Age of Great-Power Competition," in *Foreign Affairs*, January-February 2020, pp. 118-122.
4. <https://www.statista.com/statistics/372900/number-of-chinese-students-that-study-in-the-us/>
5. Elbridge A. Colby and A. Wess Mitchell, op. cit., p. 122.
6. Ibid., pp. 123-124.
7. https://www.huffpost.com/entry/population-explosion_b_9837278
8. Milton Friedman, *Capitalism and Freedom*, 1962. (Chicago: University of Chicago Press), pp. 2-22.
9. Michael Osterholm and Mark Olshaker, "Chronicle of a Pandemic Foretold," *Foreign Affairs*, July-August 2020, pp. 12-13.
10. Ibid., p. 13.
11. Ibid., pp. 13-14.
12. <https://www.statista.com/statistics/901146/number-of-arrivals-from-china-in-tourist-accommodations-in-the-eu/>
13. <https://knoema.com/atlas/Italy/topics/Tourism/Travel-and-Tourism-Total-Contribution-to-GDP/Contribution-of-travel-and-tourism-to-GDP-percent-of-GDP> and <https://greece.greekreporter.com/2019/05/30/tourism-now-generates-over-one-quarter-of-greeces-gdp/>
14. <https://www.census.gov/foreign-trade/balance/c5700.html>
15. <https://www.statista.com/statistics/268750/global-gross-domestic-product-gdp/>
16. *Global Economic Prospects*, World Bank Publication, June 2020, pp. xv, 3.
17. Ibid., p. 4.
18. Ibid., pp. 15-18, 20.
19. Ibid., p. 21.
20. Tamara Rush et al, "surging US virus cases raise the fear progress is slipping," Associated Press, June 23, 2020.
21. Anna Diamantopoulou, "Five ways that the coronavirus should transform the EU," *European Council on Foreign Relations*, June 3, 2020.
22. *Global Economic Prospects*, op. cit., pp. 69-71.
23. Ibid., pp. 76-77, 80-91.
24. Ibid., pp. 94-97.
25. Ibid., pp. 99-103.

26. Ibid., p. 140.
27. Ibid., pp. 143, 145.
28. <https://www.cnn.com/travel/article/cruise-industry-coronavirus-aftermath/index.html>
29. <https://www.dailymail.co.uk/news/article-8218267/Thousands-cars-line-Los-Angeles-food-bank.html>
30. <https://www.theguardian.com/business/2020/jun/25/us-unemployment-figures-latest-coronavirus-pandemic-economy>
31. *Global Economic Prospects*, op. cit., pp. 151-152.
32. Ibid., pp. 157-159.
33. *World Economic Outlook*, June 2020, IMF, p. 2.
34. Ibid., pp. 2-5, 17.
35. Ivan Krastev and Mark Leonard, "Europe's pandemic politics; How the virus has changed the public's worldview," *European Council on Foreign Relations*, June 23, 2020.
36. Ibid.
37. Ibid.
38. <https://www.thejakartapost.com/academia/2020/06/02/asean-solidarity-and-response-in-the-face-of-covid-19.html>
39. https://www.youtube.com/watch?v=YCW_HiYwek&mkt_tok=eyJpIjoiTVRVMVlqRmtabUkwWXpoeSIsInQiOiJvcckdhTkpTb3ROMFwvXC81SGo1VINyM3Rmd0twbTIWQWdOMUMrWWViM1FBSTkzRUJxK2d5b2JkcThcL2NrN0VsbVlRVjFDbm9SakU5dERkTGdwR0VvYWF1ZHpqOGw5Qkw1UnBsNTgzdFhBc0E0b2NGMjVWemdhd2RkZTJyRG1WblpOdyI9
40. <https://freedomhouse.org/report/freedom-world/2020/leaderless-struggle-democracy>
41. <https://www.youtube.com/watch?v=TFdpomyjyY&feature=youtu.be>
42. *Bloomberg News*, June 24, 2020.
43. "Covid-19 and Development," Conversation with Larry Summers, *Center for Global Development*, Washington DC, June 10, 2020.
44. *World Economic Outlook*, op. cit., pp. 5-6, 10.
45. Ibid., p. 19.
46. Michael Osterholm and Mark Olshaker, op. cit., p. 22.
47. Ibid., p. 24.
48. Danielle Allen, "A More Resilient Union," *Foreign Affairs*, July-August 2020, pp. 35-38.
49. Stewart Patrick, "When the System Fails," *Foreign Affairs*, July-August 2020, pp. 42-46.
50. <https://sariolghalam.com/2020/02/24/1889/>
51. <https://sariolghalam.com/2019/12/10/>